

# صغار و تبه کاری

-۳-

نسبت های بدرهتك عفت بکسان میدهد. از این لحاظ است که گراهی کودک را با احتیاط زیادی بایستی تلقی کرد زیرا بر خلاف آنچه که معروف است: «حرف راست را ازبچه باید شنید» باشد نه کودکی گفته هایش میوه تصورات و خیال بافی ها و یا نتیجه خبت طینت و آزار رساندن به دیگری است

## ۲ - فرار و ولگردی

فرار کودکان از خانواده و مأمّن خود معمولاً علل روحی دارد و منجر به ولگردی شود و لنگرد کودکی را گویند که از هیجده سال کمتر داشته و برای علت نامعلوم خانواده و یا خانه عادی خود را ترک نموده و بطور آزاد و نامنظم بدون منزل و جای معینی زندگی نماید و یا بکارهای ممنوع و فحشاء پرداخته زندگی خود را تأمین نماید و بدین ترتیب میبیم ولگردی با گدائی، فحشاء و دزدی مصاحب است. البته فرار هائی که بر اثر شرایط بدون مساعد محیط فامیلی صورت میگردد جنبه دیگری دارد ولی بطور کلی شرایط نامساعد محیط فامیلی کافی برای ادا نمودن کودک فرار و ولگردی نیست و معمولاً کودک بیمار روحی چون با محیط نامساعد فامیلی تصادف کند فراری میشود و این هر دو شرط در فرارها حاصل است. بطور کلی فرارهای مرضی را که منجر بولگردی میشود بر چهار دسته تقسیم توان نمود:

۱ - فرار در جریان مرض روحی. مخصوصاً در مقدمه جنون جوانی فرار های بیجهت و بیمعنی مکرر از بیماران

سر میزند.

در شماره پیش انواع بیماریهائی که کودک مبتلای بدان را مستعد تبه کاری مینماید و از نظر گذرانیم اینک اجمالاً بچگونگی تبه کاریهای کودکانه و انواع آن میپردازیم:

## ۱ - دروغ و فریب

خاصه برخی کودکان است تا آنجا که «دوپره» (۱) دانشمند معروف بیماریهای روانی نام مخصوصی «بدروغگوئی» این دسته داده است و قائل بوجود «بیماری دروغ» (۲) شده است. دروغگوئی نزد برخی بر اثر قابلیت تلقین زیاد و پیش دسته دیگر تظاهری از جنس خبیث است. دروغگوئی «کودن» ها جزء دسته اول و از آن کثر خوبان نمودار خوی کز و طینت یافتند بدانهاست گفته های دروغ برخی همچو افسانه های بر حوادث و نتیجه نیروی تصور پریشان آنهاست این دسته افسانه بافند خیالات پریشان خویش را همچو حوادث واقعه شرح و بسط دهند و باشد که بعضی زود باوران را بفریبند و به دوستی گفته های خود متقاعد نمایند و اگر احياناً دروغشان آشکار گردید فرار کرده جای دیگر رفته دروغ پردازی نمایند «دوپره» ایشان را که بر اثر پریشانی لبروی تصور دروغها گفته و افسانه های بافند «افسانه گران» نامیده است.

یکدسته دیگر از این دروغگویان بیمار نشان نمایند. کودکی که از دبستان فراری است خود را بناخوشی ژند و یا کودک چون خواهد مورد توجه شود بیمار نشان نماید تا دیده گان خویش را بخود جلب نماید. این دسته با بیمار و ناخوشی دروغ خود سدمه بکسی نمیرسانند ولی خطر آنکترین دروغها اتهام و بهتان است: کودک که تمایل خبیثی بدروغهای مهم نشان میدهد

ب - فرار در جریان بیماری‌های مغزوی . در مغز و بیماری صرع در جریان تکامل خود موجب شوند که بیمار فرار نماید فرارهای صریح در حین فراموشی و بی‌هوشی نادر است ولی در بیماری خواب بسا دیده شده که بیماران فرار نموده‌اند .

ج - فرار ناقص العقل ها . از این دسته « کور ذهن » ها چون کمینه هوش و اراده را که برای فرار لازم است فقد می‌باشند کمتر فرار می‌نمایند . کسند ذهن‌ها نیز همینکه یکبار فرار کرده دستگیر شدند چون حالت روحی مرضی آنها جلب توجه نموده در نگاه روحی نگهداری میشوند فرارهای مکرر نتوانند نمود . برعکس نزد کردن‌ها معمولاً فرار بطور آسانی و مکرر بروز می‌نماید چگونگی بروز فرار نزد کورن‌ها بیشتر بر اثر قابلیت تلقین زیادی است که این دسته دارا می‌باشند این است که هر جنس و با جنس توان آنها را به دام آورد و فرار و دزدی و ادا رد . و چون نیروی قضاوت و تفکر در ایشان نیستی یافته همچو کوسفندی نیست و بی‌روی نمایند . چنانکه گدایان این دست را گدائی و داشته و از دسترنج « یا » گدائی کودکان استفاده نمایند .

کودگانی که دارای اخلاق و عواطف پریشان هستند بیش از دیگران مرتکب فرار و ولگردی میشوند ؛  
 « ۱ » « بیقرارها » از این دسته بیش از همه فراری و ولگرد میشوند فطرت نارضی و بیقرار این‌ها دو صبا حی با يك طرز زندگی و يك گونه کاری خو گرفته و همواره خواستار نو و تازه و هر نوی پس از چندی برای آنها حکم گفته ، رایبدا می‌نماید و بالطبع پس از آنکه هر چه و هر جا را دیدند و گذراندند بفرار و ولگردی پردازند چه در ولگردی است که خوی انقلابی این دسته آزادی کامل پیدا می‌نماید .

« ۲ » (پارانویاک) در موقع بلوغ که روحیه کودک زریگی یافته است معمولاً اطرافیا . بالغ یا می‌دانند یا نمی‌خواهند تغییر روحی که در اثر بلوغ در آنها پیدا شده و گمان و حس خودخواهی آنها را بزرگ و بدرجه اغراق آمیزی رسانده باور کنند و به

کودک در شرف بلوغ بهمان چشم « بچگی » می‌نگرند بالطبع کودک که خود را شخصی میداند خشمگین گردد حال اگر چنین کودکی دارای استعدادی «پارانویاک» باشد هدین ظلم و آسیب رسیدگی تولید و تدبیرات قوت میگیرد در نتیجه فرار نماید و بولگردی پردازد .

نزد کور خوبان فرار و ولگردی جزو يك سلسله خاصه‌های اخلاقی آنها است و بیشتر معلول يك حسابهائی است فلان نگرخو که دزدیده برای گریز از کیفر فرار نماید . اگر دختر باشد نتیجه فرار و ولگردی زندگانی فحشاء است جای آن دارد در چگونگی آلودگی زنان « بدکاره » و علت تن دادن آنها بزندگانی نمکین بررسی شود معلوم خواهد شد که بیشتر آنها پس از فرار از خانه پدری ناچار بفحشاء رسیده‌اند .

۳ - دزدی

دزدی نزد کودکان اندازه کافی مشاهده شده است آمار یکی از زندانهای پزشکی پاریس در سالهای ۱۹۳۲ و ۱۹۳۳ می‌نویسد ۶۵ درصد دزدیها بدست کودکان انجام شده است این دزدی‌ها همه بیک نحو صورت نمیگیرند کودکانها از روی نفهمی و تقلید و پیروی بدست دزدان واقعی می‌دزدند . مصروعین و آسیب دیدگان مغز بر اثر « کردار ناگهانی » (۱) و در کمال سفاهت دزدی میکنند . دزدی مبتلایان بچنون جوانی . با فالج متزاید عمومی و یا تور ذهن و کسند ذهن‌ها بطوروی علناً و در ملاء عام صورت میگیرد که خود معرف مرض روحی آنهاست .

۴ - آتش زائی [ حریق ]

آتش زدن دردهات بیشتر دیده میشود فلان کودک کج خوبا پارانویاک خرمن کسان با همسایه و آتش میزند نامر که بریا کند نمائشی نماید یا در گیر و دار آتش نشانی خود نمائی نماید دیگر بیماران کمتر حریق برپا نمایند مختصر باقوسی و بررسی هنگام اینگونه حریق ها مقصر را معلوم میدارد .

## ۵ - ضرب و جرحه

هر روزه در کوچه ها میبینیم يك عده کودکان ولگرد منازعه نموده یکدیگر را مجروح و مضروب مینمایند. معمولاً به صلح و سلم میگذرد ولی باشد که نتیجه ضرب و جرحه مهم شده بعضی دادگاهها رسد در آزمایش پزشکی که دادگاه امر خواهد داد معلوم میشود که بقرارها کثر خوبان ... مرتکب تبه کاری شده اند.

## ۶ - قتل

کثر بدست کودکان صورت میگیرد و ندرتاً قتل عمدی بوده است شاید در نتیجه مجادله و ضرب مضروب بر اثر جراحات جان سپرد ولی قتل عادی کمتر نزد کودکان مشاهده شده است با وجود این که باشد که کودک قاتل گردد چنانچه شاهد قبر که هم امروز در روزنامه اطلاعات خواندیم (۱) دلیلی واضح است: طفل طاهری اخیراً در اردبیل بچاه افتاده بود و تصور سوء اتفاق میرفت.

«ولی در نتیجه بازجوئیهای دقیق کم کم قضیه فاش»  
 «و دشمنی قبلی و نهانی حلیمه نسبت بطاهری و خانمش»  
 «آنکار شد و اثبات گردید که يك فرد ناتوان ولی بدنهاد و»  
 «بدسرشت چگونه میتواند زشت ترین کارها را با کمال بی باکی»  
 «و سخت دلی انجام یافته بما تحویل دهد در آن موقع»  
 «که ککار از بار گذشته و راه چاره و درمان بکلی بسته»  
 «شده است.»

«حلیمه ۱۵ ساله بی سواد بعداً اعتراف نمود که در»  
 «نتیجه اذیت ها و آزارها که خانم طاهری و خودش نسبت»  
 «بمن روا میداشتند کینه آنها را در دل گرفته امروز که»  
 «در پی احمد رفته او را باخودم میاوردم در راه تشنه ام شد»  
 «دیدم در خانه باز است و در وسط حیاط چاهی است که»  
 «نزد آن دلو گذاشته شده با احمد رفته وارد شدیم اول با»  
 «دلو آب کشیده سر کشیدم سپس احمدرا که با من بلب چاه»  
 «ایستاده بود با در دست محکم گرفته هر چه تقلا کرد و دوپای»  
 «خود را بلب چاه فشار داده وزاری و التماس کرد امتنا نکردم»  
 «مخصوصاً سه رتبه جنج زد «حلیمه نینداز» باز هم گوش»

«داد او را در چاه انداخته بی آنکه کسی مرا به بیند یا»  
 «صدای احمدرا بشنود با دانه آقای طاهری رفتم»

«حلیمه برای کمی سن در دادگاه دادرسی»  
 «شده و محکوم به پنج سال حبس در دارالتأدیب گشته»  
 از تبه کاری حلیمه که مایش از آنچه در بلا نقل کردیم اطلاعی نداریم چنین مفهوم میشود که کودکی نابالغی ۱۵ ساله بدون مقدمه تقریباً بحسب اتفاق بیدایش تشنگی و وجود چاه و همراه بودن مقول مرتکب قتل شده است و با منطبق کودکانه خود اذیت و آزار را که از مقتول بر مادر او دیده بود به تبه کاری خود دلیل میآورد.

در اینجابدون آنکه توجهی بعواطف و احساسات و زنامه نویسی داشته بی باکی سنگدلی حلیمه واضح و بسط دهیم عقیده داریم بی شک دماغ حلیمه و حلیمه های نوعی سالم نیست و پس از پنج سال در دارالتأدیب اگر به مالجه روحی او بر دازند چون بیرون آید ایندفعه جوانب را خواهد کشت و بر از شکلش بدش میآمده و آنگاه چون بالغه خواهد بود محکوم بمرک خواهد شد اما اگر امتحان روحی نزد او شده تشخیص مرض داده شود اگر غیر قابل اصلاح و علاج است بایستی در بنگاه ویژه این گونه بیماران مادام لعمری نگهداری شود و اگر قابل علاج است این پنجساله خوب است بد درمان او پرداخته تا پس از به پایان رسیدن دوره حبس دارالتأدیبی حلیمه را این بار با همان سنگدلی بجامعه تحویل ندهیم که خطرش برای خود و جامعه هر دو بسی بزرگتر و مهمتر خواهد بود.

حسن اتفاق است برای جامعه و صفارتبه کار که واقعه حلیمه و احمد برای اثبات و استحكام هدف این رشته سخن که ازوم آزمایش روحی نزد کودکان تبهکار است پیش آمد، ما نیازمند غرضیات و تمثل های بیروح نباشیم.

## ۷ - کژ خوئیهای جنسی

هنگ عفت، لواط لازم و متمدی هنگام بلوغ نزد صفار ممکن و بیشتر معلول بیماریهای روحی است مگر یکدسته کمتری که نتیجه مباشرت بدو محیط و سرمشق نامساعد